

مصاحبه با البرز دماوندی فعال کارگری کمپین حمایت از حقوق کارگران بر گرفته از صفحه فیس بوک کمپین

1- آقای البرز دماوندی شما تحقیقات جامعی در مورد وضعیت کارگران در ایران تا کنون داشته اید و مسائل کارگری ایران را همواره دنبال می کنید. می خواستیم بدانیم نظرتان در مورد کمپین حمایت از کارگران که تشکیل شده چیست؟

اولن بسیار خوشحالم که می بینم تلاشگران حقوق بشر این چنین فعالانه و با پشتکار و پیگیری از حقوق کارگران به عنوان بخشی از حقوق انسانی در جامعه دفاع می کنند. امیدوارم که این کار تداوم یابد و بخش های هرچه گسترده تری از فعالان حقوق بشر در تمام حوزه ها اعم از زنان، کودکان، محیط زیست و ... را متوجه ضرورت این کار بنمایند. همان طور که می دانید کارگران و خانواده های شان بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند و بنابراین تضییع حقوق آنان در واقع تضییع حقوق اکثریت اعضای جامعه است. بدیهی است که فعالان مدنی و تلاشگران حقوق بشر نمی توانند و نباید نسبت به نقض گسترده حقوق این اکثریت بزرگ بی تفاوت باشند. نقض حقوق اساسی کارگران یکی از جلوه های بارز نقض حقوق بشر در ایران است و افشا و مبارزه با آن طبعی یکی از وظایف اصلی تلاشگران حقوق بشر را تشکیل می دهد. این نقض گسترده حقوق کارگران را می توان به وضوح در موارد متعددی مشاهده کرد که خوشبختانه در بیانیه کمپین نیز به این موارد اشاره شده است. مثلن بی توجهی به وضعیت معیشت کارگران و خانواده های شان که در تناقض آشکار با بند 3 ماده 23 بیانیه جهانی حقوق بشر قرار دارد که بر اساس آن:

هر کسی که کار می کند سزاوار دریافت پاداشی منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده ی خویش موافق با حیثیت و کرامت انسانی بوده و نیز میبایست در صورت نیاز از پشتیبانی های اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد.

بیانیه کمپین با مقایسه حداقل دستمزد تصویبی با خط فقر در ایران به درستی بر این نقض اسفناک حقوق بشر انگشت گذاشته است. در بسیاری دیگر از موارد هم ما با بی عدالتی و نقض حقوق کارگران مواجهیم که در مغایرت کامل با منشور جهانی حقوق بشر قرار دارد. از جمله موارد دیگر می توان مثلن به سرکوب تشکل های صنفی کارگران اشاره کرد که نقض آشکار بند 4 ماده 23 منشور است، یا به بی عدالتی وحشتناک در رفتار با کارگران زن که در مغایرت با بند 3 همین ماده قرار دارد. از موارد دیگر قانون خروج کارگاه های با کمتر از 10 کارگر از قانون بیمه های اجتماعی است که مغایر ماده 24 منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد است. بدین ترتیب می توان موارد متعددی از نقض حقوق کارگران را با مراجعه ای کوتاه به این منشور و مقایسه آن با وضعیت زندگی کارگران در ایران، برشمرد. خوشبختانه این موارد با آمار و ارقام مستند در بیانیه آمده است و این یکی دیگر از نقاط مثبت آن است. هرچند باب بررسی و تحقیق در این زمینه ها هنوز باز است و بیانیه هم تنها با ذکر مهم ترین موارد نقض حقوق کارگران، می خواهد توجه جامعه جهانی به این بی عدالتی که بر کارگران و خانواده های شان می رود را جلب کند. بدیهی است که تلاشگران جامعه مدنی و حقوق بشر نمی توانند و نباید نسبت به این نقض گسترده حقوق بشر در ایران ساکت بنشینند.

2- چرا فعالان حقوق بشری کمتر به مسائل کارگری توجه دارند و اساسا برای آزادی بیش از عدالت اجتماعی فعالیت می کنند.

متأسفانه از دیرباز این درک نادرست در میان هم فعالان مدنی و هم فعالان کارگری حاکم بوده است که گویی در دو جبهه متفاوت به مبارزه مشغولند. حال آن که چنین نیست. تلاشگران مدنی عموماً از لایه هایی از جامعه برخاسته بودند که کمتر دغدغه نان شب را داشتند و بیش از آن با مشکل آزادی بیان و انتشار عقایدشان در فضای بسته حاکم، چه در زمان شاه و چه در دوران جمهوری اسلامی، مواجه بوده اند. تأثیر این رویکرد بر کارگران، دامن زدن به بی اعتمادی آنان به تلاش های فعالان حقوق بشری بوده است. بر این زمینه خط کش های، به باور من مصنوعی، ایدئولوژیک پیشروان هر دو بخش را هم باید اضافه کرد. نتیجه این وضع می شود که ما داریم البته خوشبختانه مدتی است که این رویکردها از هر دو سو مورد نقد قرار گرفته و ضرورت پیوند بین این دو بخش از سوی تعداد روزافزونی از فعالان مدنی و کارگری احساس می شود. این را می شود در مواردی از قبیل این کمپین، اهدای جایزه حقوق بشری کانون ایران آزاد به شاهرخ زمانی، فعال کارگری زندانی، و همین طور در خواسته های کارگران دید. از یک سو فعالان حقوق بشر دریافته اند، و هر روز بیشتر درمی یابند، که با بی توجهی به این جمعیت عظیم کارگری نه تنها رسالت خود که همانا دفاع از حقوق بشر است را ناتمام باقی می گذارند، بلکه نیروی عظیمی که می تواند و باید برای انجام هرگونه دگرگونی دمکراتیکی وارد میدان شود را از این مجموعه تلاش ها حذف می کنند. از سوی دیگر کارگران هم دریافته

اند، و هر روز بیش از پیش درمی یابند، که بدون برخورداری از حداقل حقوق دمکراتیک، شامل حق آزادی بیان و تشکل و اجتماعات، قادر نخواهند بود به دغدغه اصلی شان یعنی مبارزه برای تامین یک زندگی شرافتمندانه انسانی مطابق با معیارهای امروزی دست یابند. این گام بزرگی از هر دو سوست که برای استقرار و تداوم جامعه ای دمکراتیک مثبتی بر عدالت اجتماعی که بر اساس احترام به ارزش های انسانی شکل گرفته باشد ضروری می نماید.

3- آیا کمپین می تواند بعد از اول ماه مه هم فعال باشد و فقط 11 روز صدای کارگران ایران نباشد؟

به نظر من این کمپین می تواند بسیار فراتر از یک کمپین معمولی باشد و، بر اساس آن چه که در بالا گفتم، گام بسیار مثبتی در زمینه نزدیکی فعالان حقوق بشری و کارگری بردارد. از این رو نه تنها نباید آن را به این مدت محدود کرد، بلکه باید با تلاش هر چه گسترده تر در جلب توجه پیشروان و تلاشگران از هر دو سو، آن را به مبنایی برای همکاری و همیاری مشترک تمامی نیروهای تبدیلی کرد که دغدغه شان تامین آزادی، حقوق بشر، دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران است.

در این صورت شاید بتوان بر بخش های مختلف نیروی کار تمرکز بیشتری داشت و به طور دقیق تری به مشکلات و مسائل آنان پرداخت.
با آرزوی موفقیت برای شما و کمپین

البرز دماوندی
28 آوریل 2013
8 اردیبهشت 1392